

نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زناشویی زنان

عباس امان الهی^۱
علی کریم‌زاده نگاری^۲
خالد اصلانی^۳

چکیده

با توجه به اهمیت شناخت متغیرهای تعیین کننده و تأثیر گذار بر کیفیت زناشویی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زناشویی انجام شد. روش این پژوهش توصیفی-مقطعی بود، نمونه پژوهش دربرگیرنده ۲۰۷ زن متأهل دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه (BSQ)، مقیاس درجه‌بندی رفتار محبت جسمی (PAB-RS) و فهرست کیفیت زناشویی (QMI) استفاده شد. داده‌های پژوهش با روش همبستگی پیرسون، روش تحلیل رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که میان سبک دل‌بستگی ایمن با کیفیت زناشویی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد و میان سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد محبت جسمی رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی را تعدیل می‌کند. بر پایه یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست و محبت جسمی می‌تواند این رابطه را تعدیل کند.

کلیدواژه‌ها: دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اضطرابی، دل‌بستگی اجتنابی، محبت جسمی، کیفیت زناشویی

مقدمه

بنیاد شکل‌گیری و توسعه یک سیستم کوچک و اجتماعی روابط زن و شوهر است. روابط زوجی در زندگی افراد خیلی مهم است تا جایی که این روابط می‌تواند منبع شادی و وقتی که درست نباشد منبع عمده پریشانی و حتی بیماری باشد (پانزتی و ماچ^۱، ۲۰۰۶). روابط نزدیک با دیگران به‌ویژه شریک‌های رابطه عاشقانه، تأثیر مهمی بر سلامت و بهزیستی افراد دارد (کیکولت گلاسر، گوینو هانتسو^۲، ۲۰۱۰؛ رایس و آرون^۳، ۲۰۰۸). از عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت روانی و جسمانی کیفیت زناشویی^۴ از همه مهم‌تر است (پارکر-پوپ^۵، ۲۰۱۰). کیفیت زناشویی نقش اساسی در ارزیابی کلی کیفیت ارتباطات خانوادگی دارد (برادبری، فینچام و بیچ^۶، ۲۰۰۰). اصطلاحات ناهمسانی برای توضیح کیفیت زناشویی مانند موفقیت زناشویی (میلر، کاجلین و هوستون^۷، ۲۰۰۳؛ پاپ، کامینگ و اسپرمرهون^۸، ۲۰۰۴)، شادکامی زناشویی (توینج، کمپیل و فوستر^۹، ۲۰۰۳) استفاده می‌شود. کیفیت زناشویی مفهومی چندبعدی است و دربرگیرنده ابعاد گوناگون روابط زوجین مانند صمیمیت، رابطه جنسی، حمایت، قدرت و راهبردهای حل تعارض می‌شود (لاورنس، باری، بروک، باند، لانگر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱). یک اندازه‌گیری استاندارد و یگانه از کیفیت زناشویی که در همه پژوهش‌ها استفاده شود وجود ندارد (برادبری و همکاران، ۲۰۰۰). بیش‌تر پژوهش‌ها در جوامع غربی نشان می‌دهند که زنان کیفیت زناشویی پایین‌تری را در هم‌سنگی با مردان گزارش می‌کنند (آمبرسون، ویلیامز، پاورز، چین و کمپیل^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ آماتو، جانسون، بوث و راجرز^{۱۲}، ۲۰۰۳؛ راجرز و آماتو، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها در جوامع غیر غربی همچنین نشان می‌دهند که زنان به‌طور کلی کیفیت زناشویی کم‌تری نسبت به مردان گزارش می‌کنند (نگ، لوی، گادمانسون و چئونگ^{۱۳}، ۲۰۰۹، ایکسو و لای^{۱۴}، ۲۰۰۴). شواهدی وجود دارد که سبک‌های دل‌بستگی پیش‌بینی‌کننده کیفیت

1. Ponzetti & Mutch

2. Kiecolt- Glaser Gouin & Hantsoo

3. Reis & Aron

4. marital quality

5. Parker- pope

6. Bradbury Fincham & Beach

7. Miller, Caughlin & Huston

8. Papp, Cummings & Schermerhorn

9. Twenge, Campbell & Foster

10. Lawrence, Barry, Brock, Bunde, Langer & et al

11. Umberson, Williams, Powers, Chen & Campbell

12. Amato, Johnson, Booth & Rogers

13. Ng, Loy Gudmunson & Cheong

14. Xu & Lai

زناشویی هستند (باترز و کمپبل^۱، ۲۰۰۸؛ ناک، بورا و روهل^۲، ۲۰۱۰). بر پایهٔ نظریهٔ دل‌بستگی، تفاوت‌های فردی در سبک دل‌بستگی برآمده از تجارب افراد در روابط نزدیک پیشین است و با روابط دل‌بستگی میان فرزند و مراقبان نخستین آغاز می‌شود (میکولینسر و شاور^۳، ۲۰۰۳).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با سبک دل‌بستگی ایمن در هم‌سنجی با افراد ناایمن سطوح بالاتری از صمیمیت (بارتولومو و هورایتز^۴، ۱۹۹۱)، انتظارات مطلوب نسبت به شریک خود، کیفیت زناشویی بهتر (کولینز و رید^۵، ۱۹۹۰) و نسبت به ازدواج خوش‌بین هستند (چارانیا و ایکس^۶، ۲۰۰۷؛ مایرز و لندزبرگ^۷، ۲۰۰۲). دل‌بستگی اجتنابی اشاره به افرادی دارد که با نزدیکی و وابستگی به دیگران احساس ناراحتی می‌کنند و جدایی هیجانی و خوداتکایی را ترجیح می‌دهند (گیورتز، وزیدلو، سگرین و ناتسون^۸، ۲۰۱۳). بر همین بنیاد افراد اجتنابی گرایش کمتری نسبت به مجاورت جسمی و نزدیکی روان‌شناختی با همسرشان دارند (سلوتر و لاجیز^۹، ۲۰۱۴)، رضایت رابطه‌ای کمتری را تجربه می‌کنند (شاور و میکولینسر، ۲۰۰۵)، اعتماد کمتری نسبت به رابطه‌شان دارند (ویکاری و فریلی^{۱۰}، ۲۰۰۷) و نسبت به تعهد در رابطه عاشقانه‌شان بی‌میل هستند (برونل، پیکینگتون و وبستر^{۱۱}، ۲۰۰۷). افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی که با نگرانی و مشغولیت ذهنی^{۱۲} دربارهٔ این که همسرشان شاید آن‌ها را طرد یا رها کند باز شناخته می‌شوند (کمپبل و باترز، ۲۰۰۸). در حوزهٔ رفتارهای صمیمانه برنان، کلارک و شاور^{۱۳} (۱۹۹۸) نشان دادند که افراد دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی از لمس برای بیان محبت استفاده می‌کنند در حالی که افرادی دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی استفاده نمی‌کنند. همچنین هازان، زیفمن و میدلتون^{۱۴} (۱۹۹۴) نشان دادند که اجتنابی‌ها از رفتارهای محبت‌آمیز پیش از رابطه جنسی مانند بغل کردن، بوسیدن و گرفتن دستان لذت نمی‌برند در حالی که اضطرابی‌ها از این رفتارها لذت می‌برند. پژوهش‌ها در زمینهٔ دل‌بستگی

1. Butzer & Campbell

2. Knoke, Burau & Roehrl

3. Mikulincer & Shaver

4. Bartholomew & Horowitz

5. Collins & Read

6. Charania & Ickes

7. Meyers & Landsberger

8. Givertz, Woszidlo Segrin, & Knutson

9. Slotter & Luchies

10. Vicary & Fraley

11. Brunell, Pilkington & Webster

12. ruminant

13. Brennan & Clark

14. Hazan, Zeifman, & Middleton

نشان می‌دهند که سبک‌های دل‌بستگی (اضطرابی و اجتنابی) با کیفیت زناشویی رابطه منفی دارد (سلوتر و لاجیز، ۲۰۱۴؛ اسپچرن، ویرا، گولارت و واگنر^۱، ۲۰۱۴؛ گیورتر و همکاران، ۲۰۱۳؛ متینگلی و کلارک^۲، ۲۰۱۲؛ باتزر و کمپیل، ۲۰۰۸؛ شاور و میکولینسر، ۲۰۰۵).

با استناد به یافته‌های پژوهشی که ذکر گردیدند، می‌توان پیش‌بینی کرد که سبک‌های (دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی) در پژوهش حاضر نیز رابطه‌ای منفی با کیفیت زناشویی داشته باشد، ولی برخی متغیرها وجود دارند که می‌توانند شدت و ضعف این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند. از جمله این متغیرها محبت جسمی است.

محبت (دربرگیرنده بیان، دریافت عشق و حمایت عاطفی) به‌عنوان یکی از سه نیاز اساسی بین فردی شناخته شده است که افراد در بافت روابط رضایت‌بخش با دیگران انجام می‌دهند (شوتر^۳، ۱۹۵۸؛ به نقل از دیلا، گودبوی و بولکن^۴، ۲۰۱۴). همچنین محبت به‌عنوان علاقه به سمت کسی تعریف شده است (اندرسون و گورور^۵، ۱۹۹۸؛ به نقل از هوران و بوث‌باترفیلد^۶، ۲۰۱۰). ارتباط محبت‌آمیز بیان احساس نزدیکی، مراقبت و علاقه به فردی دیگر است (فلوید و مورمن^۷، ۱۹۹۸)، بنابراین رفتاری ضروری در هر رابطه عاشقانه است.

فلوید (۲۰۰۲) از طریق ارائه نظریه تبادل محبت نقش محبت را در ارتباطات انسانی نشان داد. نظریه تبادل محبت ارتباطات محبت‌آمیز را به‌عنوان یک رفتار انطباقی که در انگیزه‌های عالی انسان‌ها برای ماندگاری (بقاء) و باروری (تولیدمثل) مشارکت دارد، در نظر می‌گیرد. آنچه در نظریه فرض شده، اصل برزندگی انتخابی داروین^۸ است، اینکه ارگانیزم‌هایی که با تقاضاهای محیط‌ها بهترین انطباق و سازش یافتگی را داشته‌اند، به‌احتمال بیشتری زنده می‌مانند و تولیدمثل می‌کنند. نظریه تبادل محبت ارتباط آشکاری میان بیان محبت و ماندگاری و باروری انسان، ایجاد می‌کند. تبادل محبت احتمال زنده ماندن را افزایش می‌دهد، زیرا در توسعه و حفظ پیوندهای جفت انسانی مشارکت می‌کند و شخص را در معرض منابع مربوط به خود، مانند محافظت، همراهی، امنیت مالی، تحریک ذهنی و عشق قرار می‌دهد.

1. Scheeren, Vieira, Goulart & Wagner

2. Mattingly, & Clark

3. Schutz

4. Dillow, Goodboy, & Bolkan

5. Andersen, & Guerrero

6. Horan & Booth. Butterfield

7. Floyd & Morman

8. Darwin

محبت جسمی عموماً به‌عنوان یک مؤلفه مهم از روابط عاشقانه در نظر گرفته می‌شود. محبت جسمی به‌صورت هر لمسی به‌منظور برانگیخته کردن احساسات عشق در دهنده یا گیرنده تعریف و دربرگیرنده رفتارهای غیرجنسی مانند بغل کردن، بوسیدن، گرفتن همسر خود^۱ است (گولج، گولج و استاهمان^۲، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، محبت جسمی عاشقانه به هر لمسی به‌منظور برانگیخته کردن احساسات عشق در دهنده یا گیرنده در یک رابطه عاشقانه اشاره دارد.

با توجه به دشواری‌های ذاتی در مطالعه محبت جسمی، پژوهش کمی در باب محبت جسمی و لمس بین‌فردی وجود داشته است (گولج، هیل، لیسترو و سالیون^۳، ۲۰۰۷). دلیل عمده برای ادامه پژوهش دربارهٔ محبت جسمی احتمالاً در بستر اهمیت محبت جسمی برای بهزیستی انسان قرار دارد. برای مثال، محبت جسمی با مزایای متعدد سلامت مانند کاهش فشارخون (فیشمن، ترکه‌ایمرو دی-گود^۴، ۱۹۹۵)، کاهش اضطراب (اولسون و اسنید^۵، ۱۹۹۵)، کاهش پرخاشگری^۶ (فیلد^۷، ۱۹۹۹)، کاهش درد (فیشمن، تورخیمرو دی‌گود^۸، ۱۹۹۵) همراه است.

چندین مطالعه نشان داده‌اند که رفتار محبت‌آمیز در روابط عاشقانه و روابط خانوادگی با رضایت از رابطه همراه است (فلوید، هسه، میکزو، هالون، میکلسون و توسینگ^۹، ۲۰۰۵؛ فلوید، ۲۰۰۲؛ فلوید و مورمن، ۱۹۹۹؛ فلوید، بورن، هاناوا، هسه، مک‌ایوان و وکسلر^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ هیل^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ هوران و بوث باترفیلد، ۲۰۱۰؛ بارک و یانگ^{۱۲}، ۲۰۱۲).

با توجه به نقشی که کیفیت زناشویی در بهزیستی، سلامت روانی و خودشکوفایی افراد دارد، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این روابط از اهمیت ویژه برخوردار است. محبت و ابراز محبت جسمی از عناصر مهم در کیفیت زناشویی هستند که افراد دارای با سبک دل‌بستگی نایمن دچار نقص شده‌اند.

1. holding one sɔrtner

2. Gulledge, Gulledge, & Stahmann

3. Sallion

4. Turkheimer, & DeGood

5. Olson & Sneed

6. aggression

7. Field

8. Turkheimer, & DeGood

9. Hesse, Miczo, Halone, Mikkelson, & Tusing

10. Boren, Hannawa, McEwan, & Veksler

11. Hill

12. Burke, & Young

روش

این پژوهش، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، زنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند. از این جامعه نمونه‌ای با حجم ۲۰۷ نفر زن متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه^۱. در پژوهش حاضر از پرسشنامه شیوه‌های رفتاری (فارمن و هنر، ۱۹۹۹؛ ترجمه امان الهی، اصلانی، تشکر، غوابش، نکوئی (۱۳۹۱) استفاده شد. پرسشنامه شیوه‌های رفتاری یک ابزار ۲۲ سؤالی است که میزان موافقت آزمودنی‌ها با مجموعه‌هایی از حالت‌ها درباره اینکه افراد چه سبک دل‌بستگی ممکن است در روابط عاشقانه خود به کار گیرند را نشان می‌دهد. پاسخ‌دهندگان، جواب خود را در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از ۱ (شدیداً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) بیان می‌کنند. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس دل‌بستگی ایمن، پریشان و گسسته است، سؤال‌های خرده مقیاس‌ها از این قرار است: دل‌بستگی ایمن (۲، ۴، ۶، ۹، ۱۵، ۱۷) دل‌بستگی پریشان (۳، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲) و خرده مقیاس گسسته (۱، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱). طبق پژوهش‌ها فارمن، سیمون، شافر و پواجی^۲ (۲۰۰۲)، آلفای کرون باخ سه سبک دل‌بستگی را ۰/۸۵ گزارش دادند. در چندین مطالعه نمرات سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه با سطح بالایی از اطمینان خاطر با چندین مقیاس سنجیده شده‌اند، از جمله مقیاس‌های هازان و شاور، مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان کالینز و ریبدو در مطالعه برنان، کلارک و شاور، با مقیاس رابطه بسته (خصوصی)، رابطه معنی‌داری داشتند (فارمن و هنر، ۲۰۰۱). امان الهی و همکاران (۱۳۹۱) برای بررسی پایایی این پرسشنامه از آلفای کرون باخ استفاده کردند که برای سبک دل‌بستگی ایمن ۰/۶۹، دل‌بستگی پریشان ۰/۷۷ و دل‌بستگی گسسته ۰/۴۱ به دست آوردند. هم‌چنین پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرون باخ برای خرده مقیاس‌های ایمن ۰/۵۵، پریشان ۰/۸۲ و گسسته ۰/۷۰ به دست آمد.

1. Behavioral Systems Questionnaire (BSQ)

2. Furman, Simon, Shaffer, & Bouchey (PAB- RS)

فهرست کیفیت زناشویی^۱. در سال ۱۹۸۳ به وسیلهٔ نورتون ساخته شده است و در ایران به وسیلهٔ امان الهی، ایزدی پناه و سودانی (۱۳۹۳) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه کیفیت زناشویی یک ابزار شش سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به کارگیری عبارات‌های کلی مانند (ما یک ازدواج خوب داریم)، (روابط من با همسرم خیلی پایدار است) می‌سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را در پنج سؤال پرسشنامه در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. خجسته‌مهر، کرایبی و رجبی (۱۳۸۹) برای بررسی ضریب پایایی این مقیاس از روش آلفای کرون باخ استفاده کردند و ضریب پایایی ۰/۹۴ گزارش دادند. همچنین برای بررسی روایی سازه‌ی این پرسشنامه از ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی انریچ^۲ استفاده شد که ضریب اعتبار سازه‌ی آن را ۰/۷۷ گزارش دادند که در سطح (۰/۰۱ < p) معنی دار است. ضریب پایایی پرسشنامه کیفیت زناشویی در پژوهش حاضر برای کل نمونه، با روش آلفای کرون باخ ۰/۹۳ به دست آمد.

مقیاس درجه‌بندی رفتار محبت جسمی^۳. برای نخستین بار به وسیلهٔ هیل در سال (۲۰۰۹) ساخته شد و برای نخستین بار در ایران به وسیلهٔ امان الهی، کریم‌زاده و اصلانی ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه محبت جسمی یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری فراوانی محبت جسمی میان همسران، اهمیت ذهنی محبت جسمی برای رضایت از رابطه، الگوهای محبت جسمی میان همسران و صمیمیت درک شده از انواع ناهمسان محبت جسمی ساخته شده است. انواع ناهمسان محبت جسمی دربرگیرنده گرفتن دستان همسر، بوسیدن لب‌های همسر، بغل کردن همسر و ... است. هر گزاره این پرسشنامه دربرگیرنده یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای است ۱ (هرگز) ۷ (همیشه) که پاسخ به هر نوع از محبت فیزیکی نشان‌دهندهٔ فراوانی محبت جسمی است که زن و شوهر از آن استفاده می‌کنند. گرفتن نمره پایین نشان می‌دهد که زن و شوهر هرگز از آن نوع محبت فیزیکی استفاده نمی‌کنند، درحالی که نمره بالا نشان می‌دهد که زن و شوهر به‌طور مداوم از آن نوع خاص محبت جسمی استفاده می‌کنند.

1. Quality of Marriage Index (QMI)

2. Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness

3. Physical Affection Behavior- Rating Scale

برای بررسی روایی این پرسشنامه از خرده مقیاس صمیمیت جنسی پرسشنامه ارزیابی شخصی صمیمت ارتباطی^۱ ساخته شده به وسیله شافر و السون^۲ (۱۹۸۱) استفاده شد که ضریب همبستگی آن‌ها ۰/۶۵ به دست آمد. همچنین برای بررسی پایایی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرون باخ و تنصیف استفاده شد که به ترتیب ضریب ۰/۹۵ و ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ یافته‌های توصیفی مربوط به سبک‌های دل‌بستگی، محبت جسمی و کیفیت زناشویی در زنان متأهل ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سبک‌های دل‌بستگی، محبت جسمی و کیفیت زناشویی در زنان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
دل‌بستگی ایمن	۳۳/۵۵	۵/۱۵
دل‌بستگی اضطرابی	۲۲/۹۳	۹/۴۲
دل‌بستگی اجتنابی	۲۱/۳۰	۷/۴۴
محبت جسمی	۱۲۵/۷۰	۲۸/۱۹
کیفیت زناشویی	۳۱/۵۷	۵

جدول ۲. ضریب همبستگی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک در زنان

متغیر پیش‌بین	کیفیت زناشویی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
دل‌بستگی ایمن	۰/۴۹	$p < ۰/۰۰۱$	
دل‌بستگی اضطرابی	-۰/۵۷	$p < ۰/۰۰۱$	
دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۵۱	$p < ۰/۰۰۱$	
محبت جسمی	۰/۵۰	$p < ۰/۰۰۱$	

^۱. Personal Assessment of Intimacy in Relationship (PAIR) Inventory

^۲. Schafer & Olson

نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی امان الهی، کریم زاده نگاری و اصلانی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، دل‌بستگی اضطرابی، دل‌بستگی اجتنابی، محبت جسمی و دل‌بستگی ایمن به ترتیب بیش‌ترین تا کمترین ضریب همبستگی را با کیفیت زناشویی دارند. تمامی ضرایب همبستگی، معنی‌دار هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون تعدیل گر به منظور بررسی نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک دل‌بستگی ایمن و کیفیت زناشویی

متغیرها	MR	RS	F	ضرایب رگرسیون		
				۱	۲	۳
دل‌بستگی ایمن	۰/۴۹	۰/۲۴	^{**} ۶۶/۱۳ P < ۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۴۹$ ^{**} t = -۸/۱۳		
محبت جسمی	۰/۵۷	۰/۳۳	^{**} ۵۰/۱۸	$\beta = ۰/۳۱$ ^{**} t = -۵/۰۷	$\beta = ۰/۳۴$ ^{**} t = ۵/۱۱	
دل‌بستگی ایمن × محبت جسمی	۰/۶۱	۰/۳۷	۷ ^{**} ۴۰/۷	$\beta = ۱/۱۸$ ^{**} t = -۵/۰۷	$\beta = ۱/۵۹$ ^{**} t = -۴/۸۴	$\beta = -۱/۸۷$ ^{**} t = -۳/۸۷

^{**}p < /

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تعامل دل‌بستگی ایمن و محبت جسمی میزان واریانس تبیین شده‌ی متغیر ملاک یعنی کیفیت زناشویی را ورای هر دوی آن‌ها از ۰/۳۳ به ۰/۳۷ افزایش داده است. ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این سه متغیر ($\beta = -۱/۸۷$) ، نشان می‌دهد که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ و می‌توان اظهار داشت که محبت جسمی تعدیل کننده رابطه میان دل‌بستگی ایمن و کیفیت زناشویی در زنان است.



نمودار ۱. وضعیت تعامل میانگین چهار گروه ایجاد شده از لحاظ میانگین نمره‌های کیفیت زناشویی

نمودار ۱ نشان می‌دهد که شیب خط‌های رگرسیون مربوط به دل‌بستگی ایمن و کیفیت زناشویی در زنان دارای محبت جسمی بالا (۱/۳۳) و محبت جسمی پایین (۳/۷۹) با هم برابر نیستند. شیب بیشتر خط رگرسیون گروه زنان با محبت جسمی پایین نسبت به گروه زنان با محبت جسمی بالا روشن‌تر میزان بیشتر رابطه منفی دو متغیر دل‌بستگی ایمن و کیفیت زناشویی است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در زنان با محبت جسمی بالا، کسانی که سبک دل‌بستگی ایمن پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۳/۸۴) و کسانی که دل‌بستگی ایمن بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۲/۵۱) است. همچنین در زنان با محبت جسمی پایین کسانی که دل‌بستگی ایمن پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۲/۰۷) است و کسانی که دل‌بستگی اضطرابی بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آنها (۲۸/۲۸) است؛ که بسیار قابل توجه است. این نتایج نشان می‌دهد که میزان رابطه منفی میان دل‌بستگی ایمن و کیفیت زناشویی در کسانی که محبت جسمی بالاتری دارند نسبت به آن‌هایی که از محبت جسمی پایین تری برخوردارند کمتر است.

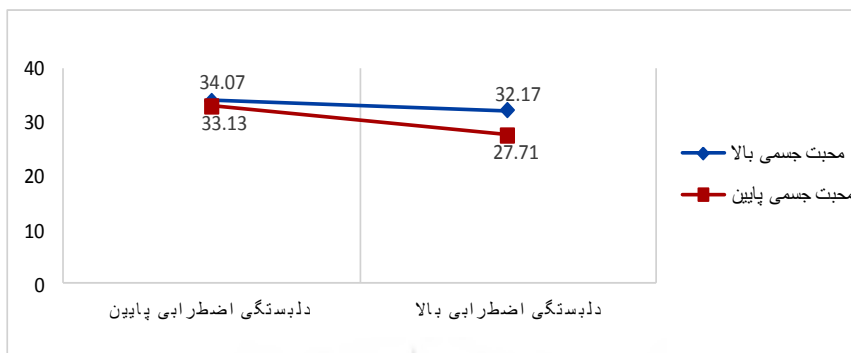
جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون تعدیل گر به منظور بررسی نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی

متغیرها	MR	RS	F	ضرایب رگرسیون
				۱ ۲ ۳
دل‌بستگی اضطرابی	۰/۵۷	۰/۳۲	**۱۰۰/۳۸	$\beta = -۰/۵۷$ ** $t = -۱۰/۰۱$
محبت جسمی	۰/۶۶	۰/۴۳	**۷۹/۱۸	$\beta = ۰/۳۵$ ** $t = ۶/۲۶$
دل‌بستگی اضطرابی × محبت جسمی	۰/۷۳	۰/۵۳	**۷۷/۱۱	$\beta = -۰/۳۹$ ** $t = -۳/۱۱$
				$\beta = -۱/۶۸$ ** $t = -۸/۵۱$

** p < /

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تعامل دل‌بستگی اضطرابی و محبت جسمی میزان واریانس تبیین شده‌ی متغیر ملاک یعنی کیفیت زناشویی را ورای هر دو آن‌ها از ۰/۴۳ به ۰/۵۳ افزایش داده است. ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این سه متغیر (۱/۲۳) = ،

نشانی می‌دهد که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ و می‌توان اظهار داشت که محبت جسمی تعدیل کننده رابطه میان دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی در زنان است.



نمودار ۲. وضعیت تعامل میانگین چهار گروه ایجادشده از لحاظ میانگین نمره‌های کیفیت زناشویی

نمودار ۲ نشان می‌دهد که شیب خط‌های رگرسیون مربوط به دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی در زنان دارای محبت جسمی بالا (۱/۹) و محبت جسمی پایین (۵/۴۶) با هم برابر نیستند. شیب بیشتر خط رگرسیون گروه زنان با محبت جسمی پایین نسبت به گروه زنان با محبت جسمی بالا روشن‌تر میزان بیشتر رابطه منفی دو متغیر دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی است.

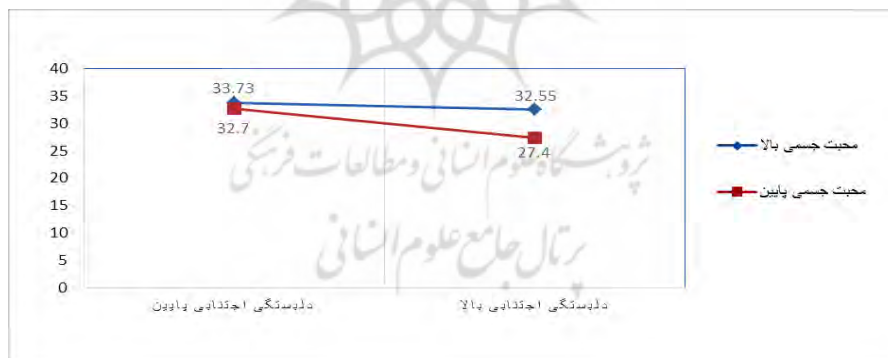
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در زنان با محبت جسمی بالا، کسانی که سبک دل‌بستگی اضطرابی پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۴/۰۷) و کسانی که دل‌بستگی اضطرابی بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۲/۱۷) است. همچنین در زنان با محبت جسمی پایین کسانی که دل‌بستگی اضطرابی پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آنها (۳۳/۱۳) است و کسانی که دل‌بستگی اضطرابی بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آنها (۲۷/۷۱) است؛ که بسیار قابل توجه است. این نتایج نشان می‌دهد که میزان رابطه منفی میان دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی در کسانی که محبت جسمی بالاتری دارند نسبت به آن‌هایی که از محبت جسمی پایین‌تری برخوردارند کمتر است.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون تعدیل گر به منظور بررسی نقش تعدیل کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک دل‌بستگی اجتنابی و کیفیت زناشویی

متغیرها	MR	RS	F	ضرایب رگرسیون		
				۱	۲	۳
دل‌بستگی اجتنابی	۰/۵۱	۰/۲۶	**۷۲/۸۱	$\beta = -.۰۵۱$ ** $t = -۸/۵۳$		
محبت جسمی	۰/۶۲	۰/۳۹	**۶۶/۲۳	$\beta = -.۰۳۹$ ** $t = -۶/۷۷$	$\beta = ۰/۳۸$ ** $t = ۶/۶۵$	
دل‌بستگی اجتنابی × محبت جسمی	۰/۶۸	۰/۴۷	**۵۹/۹۱	$\beta = -۱/۴۵$ ** $t = -۷/۱۰$	$\beta = -.۰۳۶$ ** $t = -۲/۴۵$	$\beta = ۱/۱۲$ ** $t = ۵/۳۹$

** p < /

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تعامل دل‌بستگی اجتنابی و محبت جسمی میزان واریانس تبیین شده‌ی متغیر ملاک یعنی کیفیت زناشویی را ورای هر دوی آن‌ها از ۰/۳۹ به ۰/۴۷ افزایش داده است. ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این سه متغیر (۱/۱۲) ، (p < ۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ و می‌توان اظهار داشت که محبت جسمی تعدیل‌کننده رابطه میان دل‌بستگی اجتنابی و کیفیت زناشویی در زنان است.



نمودار ۳. وضعیت تعامل میانگین چهار گروه ایجادشده از لحاظ میانگین نمره‌های کیفیت زناشویی

نمودار ۳ نشان می‌دهد که شیب خط‌های رگرسیون مربوط به دل‌بستگی اجتنابی و کیفیت زناشویی در زنان دارای محبت جسمی بالا (۱/۱۸) و محبت جسمی پایین (۵/۳) با هم برابر نیستند. شیب بیشتر خط رگرسیون گروه زنان با محبت جسمی پایین

نسبت به گروه زنان بامحبت جسمی بالا روشن‌تر میزان بیشتر رابطه منفی دو متغیر دل‌بستگی اجتنابی و کیفیت زناشویی است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در زنان بامحبت جسمی بالا، کسانی که سبک دل‌بستگی اجتنابی پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آن‌ها (۳۳/۷۳) و کسانی که دل‌بستگی اجتنابی بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آن‌ها (۳۲/۵۵) است. همچنین در زنان بامحبت جسمی پایین کسانی که دل‌بستگی اجتنابی پایین دارند، میانگین کیفیت زناشویی آن‌ها (۳۲/۷۰) است و کسانی که دل‌بستگی اجتنابی بالا دارند میانگین کیفیت زناشویی آن‌ها (۲۷/۴۰) است؛ که بسیار قابل توجه است. این نتایج نشان می‌دهد که میزان رابطه منفی میان دل‌بستگی اجتنابی و کیفیت زناشویی در کسانی که محبت جسمی بالاتری دارند نسبت به آن‌هایی که از محبت جسمی پایین‌تری برخوردارند کمتر است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کننده محبت جسمی در رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زناشویی در زنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بود. نتایج نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن، با کیفیت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار و سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی، رابطه منفی و معنی‌دار دارند. این نتایج با پژوهش سلوتر و لاپیز (۲۰۱۴)، اسپیرن و همکاران (۲۰۱۴)، گیورتز و همکاران، (۲۰۱۳)، متینگلی و کلارک (۲۰۱۲)، باتزر و کمپیل (۲۰۰۸)، شاور و میکولینسر (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد.

بر پایه نظریه دل‌بستگی، تعاملات و روابط یک فرد با افراد مهم در زندگی او، بر الگوهای ذهنی آن فرد از خود، دیگران و رابطه با دیگران به‌ویژه همسر اثر می‌گذارد. افراد ایمن به دلیل باز بودن و ابراز شفاف هیجانات مثبت و منفی، استفاده همواره از خود افشایی تسهیل‌کننده که غالباً با توانایی بیرون کشیدن نظرات طرف مقابلشان نیز همراهی می‌کند و به کارگیری گفتگوهای منطقی و آرام در طول تعارض، به روش‌های گوناگون زمینه‌های پرورش روابط صمیمانه و لذت‌بخش را فراهم می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۰).

کسانی که سطوح بالاتری از دل‌بستگی اجتنابی دارند رضایت کمتری را در رابطه‌شان تجربه می‌کنند زیرا آن‌ها درگیر روابط نمی‌شوند و صمیمیت و نزدیکی را در می‌کنند شاور و میکولینسر

(۲۰۰۵)، درحالی که نزدیکی یکی از ویژگی‌های اصلی روابط صمیمی افراد، به‌ویژه در روابط عاشقانه است سلوتر و لاپیز (۲۰۱۴) در نتیجه سیستم دل‌بستگی‌شان غیرفعال می‌شود و از آنجایی که در روابطشان به دنبال حمایت همسرشان نیستند باعث می‌شود که این افراد به دیگران اعتماد و اتکا نمایند و این به‌نوبه خود بر رضایت و کیفیت زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین نبود وجود خاطرات مثبت همراه با شریک زندگی خود شاید از صمیمیت و نزدیکی جلوگیری کند که کاهش رضایت را بیان می‌کند (هادن و همکاران، ۲۰۱۴).

توانایی ایجاد یک رابطه اعتماد برانگیز با شخص دیگر در بزرگ‌سالی به احتمال زیاد تابعی از تجربیات روابط پیشین است. تجربه‌های مکرر با مراقبان اولیه‌ای که دارای رفتارهای متناقض و طرد کننده دارند شاید منجر به شکل‌گیری این باور شود که نمی‌توان به پاسخ‌ها و مراقبت‌های دیگران اعتماد کرد گیورتر و همکاران (۲۰۱۳). از آنجایی که افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی بالا با نگرانی شدید درباره پاسخ‌گویی شریک و ارزش فرد برای شریک زندگی خود آشکار می‌شوند و این افراد همواره نگران این مسئله هستند که طرف مقابل یا شریک زندگی آن‌ها را طرد یا ترک کند، یا آن‌ها را شایسته عشق و توجه ندانند، این افراد احساسات و افکار خود را همواره بر روی شریک زندگی‌شان متمرکز می‌کنند، دارای الگوهای کنترل و مداخله هستند و حس حسادت و خشم فراوانی دارند، بنابراین در طول یک رابطه نمی‌توانند به همسر خود و رابطه‌شان اعتماد کنند در نتیجه رضایت و کیفیت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند.

نتایج مربوط به محبت جسمی نشان داد که محبت جسمی رابطهٔ منفی سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی را تعدیل می‌کند. این یافته با پژوهش ساودارا (۲۰۱۱) هماهنگ است. همچنین گولج و همکاران (۲۰۰۳)، فلویید و همکاران (۲۰۰۹)، هیل (۲۰۰۹)، هوران و بوث باتر فیلد (۲۰۱۰)، بارک و یانگ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که محبت جسمی با رضایت از رابطه مرتبط است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رضایت از رابطه در میان کسانی که رفتارهای صمیمانه بیش‌تری گزارش می‌کنند پایدار باقی می‌ماند (بارک و یانگ، ۲۰۱۲).

در تبیین این یافته می‌توان گفت اگرچه پژوهش‌های فراوانی ارتباط منفی میان سبک دل‌بستگی اضطرابی و کیفیت زناشویی را نشان داده‌اند اما محبت جسمی می‌تواند این ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد و آن را کاهش دهد. به این معنی که همسرهایی که در رابطه زناشویی خود ابراز محبت جسمی بیشتری دارند و روش‌های ناهمسانی برای ابراز عشق خود به همسرشان انتخاب

می‌کنند از کیفیت زناشویی بالاتری برخوردارند. افزون بر این، این احتمال وجود دارد که ابراز محبت جسمی با شریک زندگی خود می‌تواند به اشخاص (به‌ویژه کسانی که نگرانی فراوانی دارند) در روابط عاطفی خود احساس اطمینان بیشتری داشته باشند. این به‌نوبه خود می‌تواند به اشخاص دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی کمک کند تا رویدادهای تهدیدکننده کمتری در رابطه خود درک کنند و در نتیجه رفتارهای فعال‌کننده مرتبط با آن را کاهش دهند؛ بنابراین سطوح بالای محبت جسمی می‌تواند نشان‌دهنده تعدیل‌گر ارتباط منفی میان سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی باشد. افزون بر این کسانی که سطوح بالاتری از سبک دل‌بستگی اجتنابی دارند ارزشمندی روابط صمیمی و نیاز به نزدیکی را انکار می‌کنند، در نتیجه سیستم دل‌بستگی‌شان غیرفعال می‌شود و از آنجا که در روابط صمیمی‌شان به دنبال محبت کردن به همسرشان نیستند باعث شود که این افراد در صورت ابراز محبت جسمی همسرشان از آن‌ها کناره‌گیری کنند و به دیگران اعتماد و اتکا نمایند و این به‌نوبه خود بر رفتارهای محبت‌آمیز آن‌ها و همسرشان اثر دارد و بنابراین نمی‌تواند به کیفیت زناشویی کشیده شود. در صورتی که ابراز و انجام عمل محبت جسمی می‌تواند اثرات منفی دل‌بستگی اجتنابی را کاهش دهد و از آنجا که تماس‌های جسمی مایه افزایش تراوش اکسی‌توسین و افزون‌سازی گرایش همسران به یکدیگر می‌گردد، پس چه‌بسا همین تماس‌ها، شانس دل‌بستگی عاطفی میان همسرها و نیز افزایش کیفیت زناشویی را خواهند داشت.

محدودیت عمده این پژوهش به کارگیری نمونه‌گیری در دسترس بود. در صورتی که امکان نمونه‌گیری تصادفی وجود داشته باشد می‌توان تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش را افزایش داد. همچنین این پژوهش تنها بر روی زنان انجام شد که تعمیم نتایج را به مردان دشوار می‌کند. نتایج این پژوهش مشخصاً به مشاوران خانواده و ازدواج کمک خواهد کرد تا با آموزش مهارت‌های میان‌فردی و محبت جسمی برای بالا بردن کیفیت زندگی زناشویی عمل کنند.

منابع

- امان الهی، عباس؛ اصلانی، خالد؛ تشکر، هاجر و غوابش، سعاد؛ نکوئی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. فصلنامه پژوهش‌ها/اجتماعی-روان‌شناختی زنان. سال دهم، شماره سوم، ۶۷-۸۶.

امان الهی، عباس؛ ایزدی پناه، محبوبه، سودانی، منصور (۱۳۹۳). بررسی رابطه دل‌بستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی. مقاله زیر چاپ.
خجسته‌مهر، رضا، کرابی، امین و رجبی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. فصلنامه پژوهش‌ها روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی الزهرا، دوره ششم، سال اول، شماره یک، ۱۳۵-۱۶۲.
حسینی، بیتا (۱۳۹۰). زوج‌درمانی تحلیلی. جلد اول، تهران: انتشارات جنگل.

- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A., & Rogers, S. J. (2003). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and the Family*, 65, 1-22.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Bradbury, T., Fincham, F., & Beach, S. (2000). Research and nature and determinant of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 62, 964-980.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford.
- Brunell, A. B., Pilkington, C. J., & Webster, G. D. (2007). Perceptions of risk in intimacy in dating couples: Conversation and partner perceptions. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26, 93-117.
- Burke, T., & Young, V. (2012). Sexual Transformations and Intimate Behaviors in Romantic Relationships. *Journal of Sex Research*, 49, 454-463.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships*, 15, 141-154.
- Charania, M. R., & Ickes, W. (2007). Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. *Personal Relationships*, 14, 187-208.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Dillow, M. R., Goodboy, A. K., & Bolkan, S. (2014). Attachment and the Expression of Affection in Romantic Relationships: The Mediating Role of Romantic Love. *Communication Reports*, 27, 102-115.

- Field, T. (1999). American adolescents touch each other less and are more aggressive toward their peers as compared with French adolescents. *Adolescence*, 34, 753° 758.
- Fishman, E., Turkheimer, E., & DeGood, D. (1995). Touch relieves stress and pain. *Journal of Behavioral Medicine*, 18, 69° 79.
- Fishman, E., Turkheimer, E., & DeGood, D. (1995). Touch relieves stress and pain. *Journal of Behavioral Medicine*, 18, 69° 79.
- Floyd, K. & Morman, M. T. (1998). The measurement of affectionate communication. *Communication Quarterly*, 46, 144° 162.
- Floyd, K. (2002). Human affection exchange: V. Attributes of the highly affectionate. *Communication Quarterly*, 50, 135-152.
- Floyd, K., Boren, J. P., Hannawa, A. F., Hesse, C., McEwan, B., & Veksler, A. E. (2009). Kissing in Marital and cohabitations: Effects on Blood Lipids, Stress, and Relationship Satisfaction. *Western Journal of Communication*, 73, 113-133.
- Floyd, K., Hess, J. A., Miczo, L. A., Halone, K. K., Mikkelson, A. C., & Tusing, K. J. (2005). Human affection exchange: Further evidence of the benefits of expressed affection. *Communication Quarterly*, 53, 285° 303.
- Furman, W. & Wehner, E. A. (2001). The Behavioral Systems Questionnaire-Manual. Unpublished Questionnaire.
- Furman, W., Simon, V., Shaffer, L., & Bouchey, H. A. (2002). Adolescents working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child Development*, 73, 241- 255.
- Givertz, M., Woszidlo, A., Segrin, C., & Knutson. K. (2013). Direct and indirect effects of attachment orientation on relationship quality and loneliness in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30, 1096° 1120.
- Gulledge, A. K., Gulledge, M. H., & Stahmann, R. F. (2003). Romantic physical affection types and relationship satisfaction. *American Journal of Family Therapy*, 31, 233-242.
- Gulledge, A., Hill, M., Lister, Z., & Sallion, C. (2007). Non-erotic physical affection: It s good for you. In L. L Abat D. E. Embry, & M. S. Baggett (Eds.), *Low-cost approaches to promote physical and mental health: Theory, research, and practice*. New York: Springer-Verlag.
- Hazan, C., Zeifman, D., & Middleton, K. (1994). Adult romantic attachment, affection, and sex. *Paper presented at the seventh International Conference on Personal Relationships, Groningen, and The Netherlands*.
- Hill, M. T. (2009). *Intimacy, passion, commitment, physical affection, and relationship stage as related to romantic relationship satisfaction*. Oklahoma State University.

- Horan, S. M., & Booth-Butterfield, M. (2010). Investing in Affection: An Investigation of Affection Exchange Theory and Relational Qualities. *Communication Quarterly*, 58, 394-413.
- Kiecolt-Glaser, J. K., Gouin, J. P., & Hantsoo, L. (2010). Close relationships, inflammation, and health. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 35, 33-38.
- Knoke, J., Burau, J., & Roehrl, B. (2010). Attachment styles, loneliness, quality, and stability of marital relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 51, 310-325.
- Lawrence, E., Barry, R. A., Brock, R. L., Bunde, M., Langer, A., Ro, E., Fazio, E., Mulryan, L., Hunt, S., Madsen, L., & Dzankovic, S. (2011). The Relationship Quality Interview: Evidence of Reliability, Convergent and Divergent Validity, and Incremental Utility. *Psychological Assessment*, 23, 44-63.
- Mattingly, B. A., & Clark, E. M. (2012). Weakening Relationships We Try to Preserve: Motivated Sacrifice, Attachment, and Relationship Quality. *Journal of Applied Social Psychology*, 42, 2, 373° 386.
- Meyers, S. A., & Landsberger, S. A. (2002). Direct and indirect pathways between adult attachment style and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 9, 159-172.
- Mikulincer, M., & Shaver, p. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, *psychodynamics, and interpersonal processes*, 35, 53-152.
- Miller, P. J. E., Caughlin, J. P., & Huston, T. I. (2003). Trait expressiveness and marital satisfaction: the role of idealization processes. *Journal of Marriage and Family*, 65, 978-995.
- Ng, K. M., Loy, J. T. C., Gudmunson, C. G., & Cheong, W. (2009). Gender differences in marital and life satisfaction among Chinese Malaysians. *Sex Roles*, 60, 33-43.
- Olson, M., & Sneed, N. (1995). Anxiety and therapeutic touch. *Issues in Mental Health Nursing*, 16, 97° 108.
- Papp, L. M., Cummings, E. M., & Schermerhorn, A. C. (2004). Pathways among marital distress, Parental symptomatology and child adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 66, 368-384.
- Parker-pope, T. (2010). *For better: The science of a good marriage*. New York, NY: Dutton.
- Ponzetti, J. J., & Mutch, B. H. (2006). Marriage as a covenant: Tradition as a guide to marriage education in the personal context. *Pastoral Psychology*, 54, 215-230.
- Reis, H. T., & Aron, A. (2008). Love: What is it, why does it matter, and how does it operate? *Perspectives on Psychological Science*, 3, 80-86.

- Rogers, S. J., Amato, P. R. (2000). Have change in gender relations affected marital quality? *Social Forces* 79, 731-753.
- Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of Marital and Family Therapy*, 7, 47° 60.
- Scheeren, P., Vieira, R. V. A., Goulart, V. R., & Wagner, A. (2014). Marital Quality and Attachment: The Mediator Role of Conflict Resolution Styles. *Paideia*, 24, 177-186.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality*, 39, 22-45.
- Slotter, E. B., & Luchies, L. B. (2014). Relationship quality promotes the desire for closeness among distressed avoidantly attached individuals. *Personal Relationships*, 21, 22° 34.
- Twenge, J. M., Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2003). Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of Marriage and Family*, 65, 574-583.
- Umberson, D., Williams, K., Powers, D. A., Chen, M. D. & Campbell, A. M. (2005). As good as it gets? A life course perspective on marital quality. *Social Forces* 84, 493-511.
- Vicary, A. M., & Fraley, R. C. (2007). Choose your own adventure: Attachment dynamics in a simulated relationship. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 1279-1291.
- Xu, X. H., Lai, S. C. (2004). Gender ideologies, marital roles, and marital quality in Taiwan. *Journal of Family Issues*, 25, 318-355.

The moderator role of physical affection in the relationship between attachment styles with marital quality of women

Abbas Amanolahi, Ph.D.

Ali Karimzade Naderi, M. A.

Khaled Aslni, Ph.D.

Abstract

Considering the impact of effective and determining variables on marital quality, the present study examined the moderator role of physical affection in the relationship between attachment styles and marital quality. The cross-sectional survey method used to conduct the present investigation. The sample consisted of 207 married women from Shahid Chamran University of Ahvaz. They selected through available sampling method. Thus, in order to gather the required data, these instruments used: (1) Romantic Attachment Styles Questionnaire; (2) Physical Affection Behavior-Rating Scale; and (3) Quality of Marriage Index. The following statistical methods also used for analyzing the collected data: (a) Pearson correlation; and (b) Linear Regression Analysis. Results revealed that there is a significant positive relationship between the security attachment styles and marital quality, and a significant negative relationship between anxiety and avoidance attachment styles with marital quality. The results also indicated that physical affection moderate the relationship between secure, anxiety and avoidance attachment with marital quality. Based upon the findings of this study, it can conclude that the relationship between attachment styles and marital quality is not a simple linear one, and physical affection can indeed moderate this kind of relationship.

Key Words: *security attachment, anxiety attachment, avoidance attachment, physical affection, marital quality*

Contact information: abas_amanolahi@yahoo.com